

ای خدا ای فضل تو حاجت روا

با تو یاد هیچکس نبود روا

با سلام و با اجازه از جناب استاد مهر آیین.

در دفتر سوم که فرمودید مولانا در یک کلام پاسخ را داده است . و آن اینکه :

هرکجا دردی دوا آنجا رود

هرکجا فقری نوا آنجا رود

و ما بندگان بی نوایی هستیم که دست نیاز به سوی بی نیاز او دراز کرده ایم. و بی گمان همانگونه که مولانا در ادامه این ابیات می آورد:

هرکجا مشکل جواب آنجا رود

هرکجا کشتیست آب آنجا رود

بنا بر این دردها گاه فرصت نیست برای اندیشیدن به دوران سلامت و قدر شناسی از پروردگار

و شکر و سپاس . در هنگام سختی درد و مصیبت توجه انسان به ما ورا بیشتر می شود. و اینجاست که اتصال برقرار می شود. از این روست که در دفتر ششم هم در بیان تاخیر در استجابت دعا به دو نکته ی مهم مولانا اشارت می برد . یکی زاری و خواستن است . کهقر آن هم می گوید. "ادعونی استجب لکم" چون در این حالت است که به قول مولانا دیگ رحمت پروردگار به جوش می آید.

تا نگرید کودک حلوا فروش

بحر رحمت در نمی آید به جوش. "دفتر دوم"

و نکته دیگر احساس نیاز است .

حاجت آوردش ز غفلت سوی من

آن کشیدش مو کشان در کوی من

و چه پناهگاه امن تر از دریای رحمت الهی . که در دردها و گرفتاری او هم خود انسان را به خود می کشد و متوجه خود می کند.

و باز هم در همین دفتر ششم مولانا با بهره گیری از آیات قرآن می گوید :نیستم امید وار از هیچ سو

وان کرم می گویدم لا تياسوا

"لا تياسو من رحمت الله آيه 53 زمر